

شیخ یعقوب صرفی^{رح}

سرزمین کشمیر از دیرباز گهواره شاعران، عالمان، هنرمندان و عارفان بوده است و انسا نهایی رازاده است که بعداً نه فقط سرزمین کشمیر را منور ساختند بلکه در سراسر جهان معروف گشتند و چراغ علم را در سراسر اکتی افروختند۔ در میان آنها مولانا صرفی در ردیف اول بشمار می رود۔ مولانا صرفی در سال ۹۲۸ھ مطابق با ۱۵۲۱ میلادی در یکی از خانواده معروف کشمیر پایه عرصه حیات گذاشت۔ مولانا صرفی را نیز بنام، جامی ثانی، بوخنیفه ثانی، جامع الکمالات، حضرت ایشان و شیخ ام یاد می کنند۔ پدرش کمال الدین شیخ حسن در روسای زمان خود به شماری رفت۔ با وجود جاه و حشمت پدر صرفی همواره در راه معرفت الهی مشغول بود و دل وی از اسرار ربانی مملو بود۔ چون صرفی راجع به کمالات پدر خود می گوید ۔

پدر کز منش بادخشنود روح
 بروش ز حق صد هزاران فتوح
 حسن نام او همچو اخلاق او
 کف و اصفان کوه از طاق او
 نگر دیده اشغال ملکش حجاب
 که گشته ز فیض ازل کامیاب

بمعنی و صورت فضیلت شعار
دش گنج اسرار پرور دگار

صرفی نخستین تحصیلات خود را نزد پدر خود پایان رسانید و در هفت سالگی قرآن مجید را حفظ کرد. چون
صرفی طبیعت موزون داشت و در هشت سالگی به سرودن اشعار فارسی پرداخت. ابتدا پدر وی اصلاح اشعار
اوست کرد. چنانکه صرفی خود می گوید

پدر بسکه مشفق بمن بوده است
مرا علم و آداب فرموده است
به تعلیم خود بنده را کرد خاص
ز تشویش استاد مکتب خلاص
چو در سال هشتم نهادم قدم
ز طبعم روان گشت شعر عجم
پدر کردی اصلاح اشعار من
باصلاح بودی مددگار من

چنانکه این قول معروف است که نخستین غزلی که صرفی در هشت سالگی سروده است خواجه حبیب الله
جسی نوشهری آن غزل را به خطور نقل می کند

ای رخ مه طلعتان آینه روی توام
میل خوبان در هوای روی نیکوی توام
گر بو سم عنبر ساراو گر مشک ختن
در دماغ جان نمی آید بجز بوی توام
آرزوی تست در جان و تمنایت بدل
ای که زهر سواست روی جان و دل سوی توام

از کشا کشهای حج و عمره فارغ گشته ام
 منکه در احرام طواف کعبه کوی توام
 گرچه می سازد دیوانه مردم را ولی
 گویدت دیوانه زنجیر کیسوی توام
 منکه جز محراب بنود سجده گاه دیگرم
 نیست مقصودی ازان جز طاق ابروی توام^۳

چون قبلاً اشاره رفت که صرّنی در یکی از خانواده معروف چشم به جهان کشود. صرّنی نه فقط شاعر بود بلکه از زمانه کودکانی با معرفت الهی علاقه بسیار داشت و اغلب در عبادت الهی مشغول می بود. بعد از تحصیلات ابتدائی که پیش پدر خود نمود صرّنی نزد مولانا آنی هرودی که یکی از شاگردان مولانا جامی بود، زانوی تلمذ تهه نمود. فن ترمیم را از وی کسب نمود. چنانکه می گوید -

فن ترمیم بردم از وی بکار
 بنوعی که گشتم دران نامدار^۴

علاوه از مولانا آنی هرودی، شیخ یعقوب صرّنی نزد مولانا کمال الدین حافظ بصیر، و مولانا امیر رضی الدین هم کسب فیض نمود. چنانکه شاگرد رشید وی خواجه حبیب اللّه حبیبی نوشهری، در مقامات حضرت ایشان، این قول را در اشعار زیر به طور تصریح می کند -

نقل دارم که شیخ ما معلوم
 شده مشغول پیش آن مخدوم
 که مسمی بود با اسم رضی
 رضی اللّه عنه با لمر رضی
 بعد ازان استفاده کرد آن پیر
 از ملا حافظ بصیر کبیر^۵

چنانکه قبلاً متذکر شدیم مولانا صرّنی تحصیلات ابتدائی خود را نزد ملا محمد آنی فرا گرفت بعد از وی، شاگردی حافظ بصیر اختیار نموده از وی علم بدیع، بیان و معانی و اصطلاحات تصوف را درک نمود۔ چنانکه خودی سراید۔

از و علم صوفیه آموختم
 دقیقات عقلیه اندوختم
 فن منطق و اصطلاح کلام
 بدیع و بیان و معانی تمام

شیخ یعقوب صرّنی در تمام زندگانی خود سفرهای دور دست اختیار نموده است و از صحبت بسیاری از مشائخ بزرگ آن زمان و عالمان نامدار کسب فیض نموده است عبدالقادر بدایونی در تاریخ خود در باره سفرهای صرّنی در عبارت زیر می نویسد۔

”در لباس مشیخت سفر بسیار کرده و اکثری از عظمای مشائخ عرب و عجم

را ملازمت نموده و فواید اندوخته در نصحت ارشاد و هدایت یافته۔“

صرّنی در سفرهای دور دست یکی از پیش آمده های برجسته خود را بیان می کند که در مشهد مقدس در آستانه قدس رضوی پیش آمده است۔ می گوید که در آستانه مقدس زنی پارسا بنام فاطمه آفتی بود وی کور بود و در آستانه عالیه در پی درمان درد خود بود و به برکت فیوض امام عالی مقام چشمان وی منور شد۔ این واقع را خوبه جی، شاگرد رشید وی هم در مقامات حضرت ایشان نقل نموده است۔ چنانکه جی می گوید۔

آن امام شهبی علی رضاً
 رضی اللہ عنہما ابداً
 شد روان شیخ سوی روضه پاک
 شد ملاقات او زنی غمناک

فاطمه بوده است نامش لیک
داشته آفتی تخلص نیک^ک

صرفی در ۵۷ سالگی، در ماه ذی قعدة ۱۰۰۳ هجری چشم از جهان فرو بست، عبدالقادر بدایونی راجع به وفات
صرفی در عبارت زیر می نویسد -

”در تاریخ دوازدهم ذی قعدة سنه ثلث و الف (۱۰۰۳) از مجلس عالم
قید رسته طائر روح قدسی آشیان او بعالم اطلاق پرواز فرمود و شیخ ام
تاریخ یافته شد“ -

صرفی با حضرت سید علی همدانی اعتقاد زیادی می ورزید بدین سبب از سلسله های صوفیه، صرفی
سلسله کبرویه را برای طریقت خود اختیار نمود و بدست یکی از صوفیان این سلسله بنام حضرت شیخ کمال الدین
حسین خوارزمی بیعت نمود و خرقة ارشاد هم از وی حاصل کرد - درباره پیر طریقت خود صرفی در اشعار زیری گوید

پیر من مقتدای خوارزمی
رهبر و پیشوای خوارزمی
مهدی وقت و هادی ثقلین
قطب عالم جناب شیخ حسین^ح

صرفی در توصیف مرشد خود حضرت کمال الدین حسین خوارزمی کتابی بنام ”مقامات مرشد“ در سال
۱۰۰۰ هجری نوشته است - علاوه از مقامات مرشد ”وی در پنج گنج“ هم توصیف پیر خود نموده آثار خود را جلا بخشید - شیخ
حسین خوارزمی ”در سلسله کبرویه مقامی والا دارد - او برای تشنگان راه سلوک و معرفت یک رساله بنام
”ارشاد المریدین“ را به رشته تحریر آورده است - رساله مذکور در فارسی نوشته شده است - با وجود مصروفیات
ظاهری و باطنی صرفی کتابها را در نظم و نثر از خود باقی گذاشته است و شهرتی که وی در زمینه نظم و نثر پیدا کرده
است معاصرین وی و عالمان و فاضلان آن زمان هم معترف هستند - حتی نوابغ روزگار خود، ابوالفضل هم شنا
سائی صرفی در علوم مختلف و فن شعر را تسلیم می کند - وی در تصنیف بنام ”آئین اکبری“ راجع به تخر صرفی در علوم

مختلف فن شعر در عبارت زیری نوسد -

”صرفی کشمیری نام شیخ یعقوب از فن آگاه و بگوناگون دانش آشنا

دلاویز گفتار ابن عربی نیکومی دانست“^۹

پس اینجا لازم بنظری رسد که آثار صرفی را به مختصری معرفی بنماییم -

آثار صرفی

چنانکه قبلاً متذکر شدیم که صرفی کتابها را در نظم و نثر برشته تحریر آورده است - کتابهایی که صرفی از خود باقی گذاشته است بدینقرار است -

خمسہ پانچ گنج صرفی

این کتاب در تتبع نظامی گنجوی سروده شده است ولی اینجا ناگفته نگذریم که صرفی نه فقط آثار نظامی گنجوی را نگاه داشته بلکه کلام جامی و امیر خسرو دهلوی را هم مطالعه دقیق نموده است - این کتاب مشتمل بر پنج مثنوی است که معروف بنام ۱- مسلک الاخیار ۲- و امق و عذر ۳- لیلی و مجنون ۴- مقامات مرشد ۵- مغازی النبی است که در تتبع خمسہ نظامی گنجوی بنام ۱- مخزن الاسرار ۲- خسرو شیرین ۳- لیلی و مجنون ۴- هفت پیکر ۵- سکندرنامه می باشد -

دیوان صرفی

دیوان صرفی یکی از مهمترین آثار صرفی است - این دیوان مشتمل بر غزلیات، قصاید، رباعیات و قطعات است - غزلهای مولانا صرفی مملو از موضوعات عاشقانه و جذبه عشق حقیقی است که خواننده را به خود جلب می کند - اشعار چند از مولانا صرفی که نمونه می باشد اینجا نقل می شود -

ای از بیان حمد تو عاجز زبان ما
 تیغ ادب بریده زبان زبان ما
 مانند عائی که نداند الف زبے
 در وصف قدس تو خرد خورده دان ما
 چون ابلهی که قطع به وادی کند هوس
 حیران براه حمد تو طبع روان ما
 در پایہ سریر شائیت کجا رسم
 از نہ فلک اگرچہ بود نزدبان ما

رسالہ ذکر یہ

رسالہ ذکر یہ در نثر نوشتہ شدہ است و گاهی گاهی اشعار ہم در این رسالہ یافتہ می شود و در این رسالہ عبارات عربی مخصوص آیات قرآنی، احادیث نبوی و اقوال بزرگان دین آمدہ است۔

کنز الجواہر

این رسالہ در بارہ فن معما نوشتہ شدہ است کہ مشتمل بر نظم و نثر است۔ در این رسالہ قواعد فن معما بہ تفصیل بیان شدہ است۔ خواجہ جی راجع بہ کنز الجواہری گوید

این رسالہ زمر شد ثقلین
 بہتر است از کتاب میر حسین
 کنز امیر حسین نیشاپور
 در فن تقیہ بود مشہور

گر نداری درین سخن تصدیق
هر دوراکن نظر بکن تحقیق^{۱۱}

تفسیر دوپاره اخیر قرآن

مولانا صرّفی تفسیر قرآن مجید را به زبان عربی بنام مطلب الطالبین نوشته است - علاوه از این مولانا تفسیر دوپاره اخیر قرآن مجید نوشته است خواجه حبیب اللہ جہی در بارہ تفسیر قرآن وی می گوید

هست تصنیف دیگر از آن پیر
بی نظیر زمانہ آن تفسیر
به دوپاره هست از قرآن
نیست کشاف در برابر آن^{۱۲}

رباعیات صرّفی

مولانا صرّفی علاوه بر غزلیات، رباعیات عالی هم سروده است که موضوع آنها تصوف و عرفان می باشد - خواجه جہی می گوید -

دیگر اندر تصوف فرجام
هست شرح رباعی آن را نام
شرح از اوست هم رباعی ها
شرح اللہ صدرنا بهما^{۱۳}

مکتوبات صرّفی

چون حلقہ دوستان صرّفی وسیع بود و بعضی وقتها مولانا صرّفی با این دوستان خط و کتابت داشت -

اگرچه مکتوبات صرّنی بیشتر باشد ولی از گردش روزگار تنها دو نامه به ما رسیده است که صرّنی آن را
عبدالقادربدایونی نوشته است۔ بعد از مطالعه کردن اینها واضح می شود که صرّنی این مکتوبات را در اواخر زندگی
برشته تحریر آورده است۔ این مکتوبات از لحاظ زبان بی آلاش و بی تکلف دیده می شود۔

روایح

این کتاب از لحاظ موضوع درباره تصوف نوشته شده است و یکی از آثار پرارج صرّنی بشمار می رود۔
صرّنی این کتاب را در تتبع لواطح جامی نوشته است۔ خواجه جی درباره رواتح صرّنی اینطور می سراید ۔
هست تصنیف دیگر از شبه دین
آن رواتح که هست نقش نگین
روح افزای آن رواتح نام
در بیان تصوف است تمام ۱۴

شرح صحیح بخاری

این کتاب از لحاظ علم حدیث در سراسر جهان معروف است۔ اگرچه بیشتر مفسرین درباره این
کتاب معروف قلمزنی فرموده اند ولی مولانا صرّنی هم محروم نماند۔ شاگرد رشید وی خواجه جی در توصیف این
کتاب می گوید ۔

چسیت تصنیف دیگرش افصح
به صحیح بخاری است شرح ۱۵

حاشیه توضیح و تلویح

توضیح و تلویح کتاب پر ارزش در اصول فقه است که علامه سعدالذین تفتازانی برشته تحریر آورده

ست - مولانا صرّفی حاشیه این کتاب نوشت و مسائل پر پیچ را شرح داده است - خوبه جی در باره کتاب
زبوری گوید -

دیگر آن حاشیه بتلویج است
که همان حاشیه بتوضیح است
کرد حل مشکلات از تلویج
شده آسان ازین جهت توضیح^{۱۱}

مناسک حج

این کتاب در باره مسائل حج نوشته است که در فصاحت و بلاغت نظیری ندارد - جی می گوید

هست تصنیف دیگر از شبهه دین
در بیان مناسک حج بین
عربی آمده عبارت آن
در ادایش بین بلاغت آن
نام آن آمده مناسک حج
هادی راه راست است نه کج^{۱۲}

تقریظ سواطع الالهام فیضی

این کتاب را شیخ فیضی که در دربار اکبر گورکانی ملک الشعرا بود برشته تحریر آورده است - ویژگی این
کتاب این بود که این تفسیر بدون نقطه نوشته شده بود - چنانکه علمای آن روزگار بر این کتاب تقریظها نوشته اند
میان آنها مولانا صرّفی هم است که تقریظ این تفسیر را نوشته است -

مطلب الطالین

مولانا صرّفی در اوخر زندگانی این کتاب را آغاز کرده بود ولی متأسفانه این کتاب ناتمام مانده است.
صرّفی پیک اجل را بیک گفته چشم از جهان فرو بست.

اگر در باره سبک اشعار صرّفی می‌اندیشیم می‌بینیم که صرّفی در اشعار خود سبک خراسانی و سبک عراقی برده است، اگر چه در آن روزگار سبک هندی رائج بود. چون قبلاً اشاره رفت که موضوعات آثار صرّفی تصوف عرفان است بدین مناسبت وی در اشعار خود اصطلاحات صوفیه را مانند ساقی، بادیه، جام، پیرمغان و جز آن برده است. و اغلب حافظ، جامی و سعدی را بدقت مطالعه نمود و بیشتر غزلهای حافظ را تضمین نموده است.

پاورقیہا

- ۱۔ مولانا صرّنی، مغازی النبیؐ، مخطوط برگ ۵۱
- ۲۔ مولانا صرّنی، مغازی النبیؐ، مخطوط برگ ب ۶
- ۳۔ خولجہ جہی، مقامات حضرت ایشان، صفحہ ۱۱۴، چاپ سرینگر ۱۹۹۷ء
- ۴۔ مولانا صرّنی، مغازی النبیؐ، برگ ب ۵
- ۵۔ خولجہ جہی، مقامات حضرت ایشان، صفحہ ۱۲۲، چاپ سرینگر ۱۹۹۷ء
- ۶۔ صرّنی، مغازی النبیؐ، مخطوط برگ ب ۵
- ۷۔ جہی، مقامات حضرت ایشان، صفحہ ۲۳۵، چاپ سرینگر ۱۹۹۷ء
- ۸۔ مولانا صرّنی، مقامات مرشد، مخطوط، ۱۵-۱۶
- ۹۔ ابوالفضل، آئین اکبری، ج ۲، ص ۲۰۰
- ۱۰۔ دکتر غلام رسول جان، شیخ یعقوب صرّنی شخصیت و فن، صفحہ ۳۳۰
- ۱۱۔ جہی، مقامات مرشد، صفحہ ۳۳۵، چاپ ۱۹۹۷ء
- ۱۲۔ ایضاً، صفحہ ۳۳۱،
- ۱۳۔ ایضاً،
- ۱۴۔ ایضاً، صفحہ ۳۳۲
- ۱۵۔ ایضاً، صفحہ ۳۳۱
- ۱۶۔ ایضاً، صفحہ ۳۳۱
- ۱۷۔ ایضاً،